



۲۰۲۰/۰۸/۲۶

اختر محمد یوسفی

همبستگی اخوان المسلمین در پاکستان علیه افغانستان

سیاست دوست و دشمن دائمی ندارد، بلکه منافع دائمی دارد



جیمی کارتر رئیس جمهور وقت ایالات متحده آمریکا در دوره مأموریتش به حیث رئیس جمهور آمریکا، با رهبران جهان مقابل شده است، میگوید که در جمله از "تینگ هسیابینگ" چین، به حیث یک شریک صحبت توصیف به عمل آورده، و او را کسی خوانده است، که می توانست به او انسان باور کند. " در دیدار از واشنگتن"، کارتر گفت، "تینگ هسیابینگ" هیچ نوع محبوبیت و خجالتی از خود نشان نداد، هم چنان در باره

ضعف های کشورش صحبت کند--- سیاستمداران شوروی هیچگاهی به چنین چیزی جرأت نخواهند کرد. "صدر اعظم برتانیه، خانم مارگریت تاچر برای کارتر یک خانم با "دیدگاه مستحکم"، و مطابق آن با انرژی و قابل اعتماد می باشد. بوسیله قدرت فراوانی که، با آن او را قانون اساسی یک کشور تجهیز کرده است، قوی ترین سیاستمدار غربی در قطار ملاقات کنندگان با او رئیس جمهور فرانسه "جیسکار دیستن؟" رئیس جمهور وقت آلمان، با شیوه کار خود، نمره داده است: از "هیلموت شمیدت" با هیچ کلمه نام نگرفته است. «Giscard d'Estaing لیکن

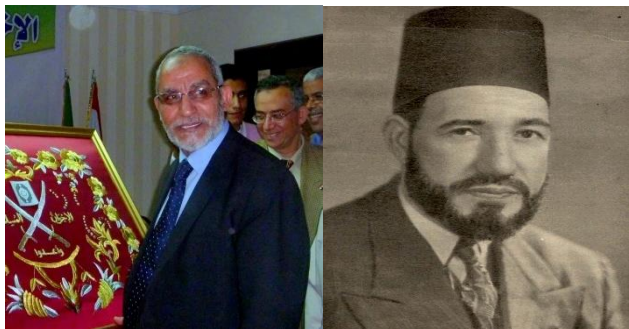
از جمله رئیس جمهور انور السادات مصر، برای جیمی کارتر محبوب ترین همه بوده است، کارتر خود اعتراف نمودند که به او (انور السادات) مانند زن خودم، "روزلین". اعتماد دارم.



جنبش اخوان المسلمین همزمان با ملی شدن کانال سوئز (کانال سوئز بطول ۱۹۳ کیلومتر ابهای بحر مدیترانه را با آبهای بحیره احمر در صحرایی سینا در شمال مصر وصل میکند.) توسط دولت مصر در اوج تشنجات و رقابتهای خارجی و جنگ انگلیسها، فرانسوها و دولت اسرائیل جدیداً تأسیس اسرائیل با مصر بر سر استفاده از کانال در شکل گرفت است.

اخوان المسلمین جنبش نواندیشی مسلمانان سنی مذهب اند که در سال (۱۹۲۸) میلادی مطابق (۱۳۰۷) شمسی در شهر اسماعلیه مصر به رهبری حسن البنا اساس گذاشته شده است. تعداد از رهبران اخوان المسلمین مصر در قیامهای ضد دولت مصر اعدام و یا کشته شدند. جامعه الظهر مصر در فعالیتهای جنبش اخوان المسلمین نقش بسزایی داشته است.

اخوان المسلمین بعد از ترور حسن البنا (۱۹۴۹) میلادی دوسال از فعالیت بازمانده و مجدداً به رهبری محمد بدیع به فعالیت خویش آغاز نمودند. مسیر نخستین حرکات افراطگرایی اخوان المسلمین با افکار بنیادگرایی «اسلامی» در اوج



تشنجات رقابتهای منطقوی و بین المللی در شرق میانه و در وقت تأسیس دولت اسرائیل در خاک فلسطین در سال ۱۹۴۸ میلادی شدت گرفته است. انگیزه ظاهری شهرت اخوان المسلمین که باعث عرض وجود پیروان و تسریع افکار بنیادگرایی «اسلامی» در سایر کشور اسلامی نیز گردیده است، اخوان المسلمین بیشتر سرلوحه آزادی فلسطین و جهاد مذهبی «اسلام» را حمل می نمودند. اخوان المسلمین با افکار بنیادگرایی «اسلامی» هیچ یک از خواستههای خود را بجز نفرت،

قتل بیگناهان چیزی دیگری را بدست خویش نیاورده است. اخوان المسلمین با افکار بنیادگرایی «اسلامی» طی سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی هنگام اشغال سرزمینهای اعراب توسط اسرائیل و جنگهای اعراب با اسرائیل که حمایت مستقیم کشورهای غربی و جانبداری از اسرائیل را با خود داشت، با ایجاد شاخه نظامی جهاد در سازمان اخوان المسلمین گردیده که عملاً در جنگ شرکت داشته است.



مبارزه مسلحانه سازمان اخوان المسلمین بعد از تأسیس شاخه نظامی جهاد با خشن ترین شیوه های تروریستی و جنگهای پارتیزانی ادامه دارد. شیوه مبارزات مسلحانه شاخه نظامی جهاد اخوان المسلمین تا سازمان القاعده، بوکوالحرام و سایر تروریستان بنیادگرا «اسلامی» بین المللی بیشتر به حملات تروریستی متمرکز بوده اند. شاخه نظامی جهاد اخوان المسلمین در ۱۹۸۱ میلادی انورالسادات رئیس جمهور مصر را ترور نمود و تعداد از رهبران و فعالین آن زندانی شدند.

انگلیسها قبل از خروج از نیم قاره هندوستان به همکاری حزب مسلم لیک و رهبری محمد علی جناح که از انگلیسها براتب هم انگلیسی تر بود کشور پاکستان را ایجاد نمودند، تا منافع انگلیسها را بعد از رفتن انگلیسها در منطقه آسیا در چوکات کامنولت حفظ نمایند.

همزمان با ایجاد دولت اسرائیل در خاک فلسطینیها، در سرزمین های افغانستان که در تحت تصرف ساحه امنیتی انگلیسا در آنطرف خط فرضی دیورند قرار دارد بود با قسمت از سرزمین شمالی و شرقی هندوستان (بنگلدیش) کشور پاکستان را ایجاد نمودند. سنگ تهداب پاکستان با بنیادگرایی «اسلامی» بناگردیده است، حزب مسلم لیک در توسعه بنیادگرایی «اسلامی» در پاکستان نقش اساسی را بازی کرده است. حزب مسلم لیک شعبه مکتب دوبندی پیروان سنی بنیادگرا را در پاکستان ایجاد نمودند. دولت پاکستان از طریق دستگاه استخبارات نظامی خویش آی. اس. آی. احزاب را بنام احزاب «اسلامی» که در خفا در خدمت آی. اس. آی. بودند ایجاد نمودند. دولت نوزاد پاکستان چیزی به جز غنیمت اموال و جایداد پیروان مذاهب اهل هنود و سیک در که هنگام دهشت و ترس تقسیمات هند و پاکستان توسط غارتگران بدست خویش آوردند، چیزی دیگرهم در دسترس خویش نداشتند. پاکستان در نخستین اقدامات ساختار دولتی نظامی و ملکی خویش قسمت از اردو خود را برای محافظت شیخان خلیج عرب در برابر اجوره اجیر ساختند.

اردو پاکستان در جنگ آزادی بنگلدیش توسط هندوستان شکست فاحش خوردند که نظیر بغیرتی اردو پاکستان در تاریخ جنگها در جهان سابقه ندارد. پاکستانیها از این شکست خویش مانند شکستهای انگلیس از دست افغانها عقده گرفتند و در صدد انتقام ناجوانمردانه برآمدند تا عقدهای حقارت با قتل انسانها بیگناه در کشمیر و افغانستان ارضا کند.

تا اکنون که شما لافهای جنرالهای پاکستانی از قماش حمیدگل، بابر، پرویز مشرف و غیره را با نام بم اتوم در یک کشور فقیر آسیایی که هر روز مردمان مظلوم آن از کرسنگی میمیرند، ناشی از عقده شکست جنگ بنگلادیش و ترس از هندوستان است.

دولت پاکستان برای ارضای عقده های شکست اردو پاکستان در جنگ بنگلادیش دو مسله را در پلانهای دشمنی خویش را با هند و افغانستان برجسته ساختند. با آنکه سرزمین کشمیر بین هند و پاکستان بدو قسمت تقسیم شده بود، قسمتهای خاک کشمیر هند و پاکستان معلوم است، مگر پاکستان با تمام دشواریهای اقتصادی بازم از پول ذکات و خیرات کشورهای عربی بنام «جهاد اسلام» دسته های تروریستی بنیادگرایان «اسلامی» بنام آزادی کشمیر علیه هند و بنام جهاد «اسلام» علیه افغانستان تریبه، تجهیز و ارسال می نمایند.

افغانستان قسمت زیادی از خاک و سرزمینهای خود را در اثر رقابتهای انگلیسها و تزار روس در قرن (۱۸) هژده و (۱۹) نژده از دست داده اند، افغانستان در قرن بیستم فقط یک سرزمین کوچک کوهستانی محاط به خشکه باقی مانده است که هنوز مورد تهاجم دشمنان و اجیران آنان قرار دارد و لافهای نیروهای فاسد تخریش کننده است.

پاکستان با نفوذ عمال افراطی گرایان «مذهبی» که در حلقات تنظیمهای «جهادی» افغان دارد از افغانستان بیم ندارد. شبکه های استخباراتی آی. اس. آی. در تمام سطوح دولت فاسد و بنیادگرا عمال نفوذی خویش را دارد که می توانند جنگ و خونریزی را بنام «جهاد اسلام» بدون ممانعت ادامه میدهد.



هنوز هم از تأسیس دولت پاکستان دیری هم نگذشته بود که قوای هوایی پاکستان برای تثبیت هویت حضور خویش و تصرف خاک افغانستان قسمتهای جنوب کشور را وحشیانه بمبارد نمودند. مداخلات بیشرمانه پاکستان در افغانستان چه در فضای جنگ سرد و چه تا اکنون با بنام «جهاد» و «اسلام» ادامه دارد که نه جهاد است و نه اسلام بلکه جنایات آشکار و خونریزی اند که بدون ادامه دارد.

خوب روزی حفاظت منافع دایمی کشور های بزرگ و بدبختی مردم افغانستان فرارسید، اتحاد شوروی بتاريخ ۲۷ دسمبر بر افغانستان حمله نظامی نمود. تجاوز شوروی فرصت طلایی برای دشمنان اصلی و دیرینه افغانستان پاکستان و ایران در افغانستان میسر ساخت.

پاکستان به بهانه حضور نظامیان شوروی در افغانستان از کشوری غربی و اعراب پولهای وافر را بدست آوردند. پاکستان توسط این پولهای وافر غرب و اعراب نخست اقتصاد ورشکست خود را معمور ساخت، پاکستان قسمت از کمکها از خارجی را به گونه از گاو غودودی هم برای ویرانی افغانستان بدسترس تنظیمای «جهادی» افغان قرار دادند.

امریکائیها گدامهای پراسلحه ساخت شوروی مصر را که در وقت جمال عبدالناصر خریداری شده بود به تنظیمهای «جهادی» افغان خریداری نمودند و به دسترس تنظیمای «جهادی» متعدد افغان سپردند. تنظیمای «جهادی» متعدد از این سلاحها بیشتر از جنگ با نظامیان شوروی نه بلکه در جنگهای فرقه یی در بین خود از آن کار گرفتند که میلوونها انسان بیگناه افغان در جنگ کشتند و افغانستان را بنام «جهاد» کاملاً ویران کردند. مطابق پلان پاکستان و ایران شاخه نظامی تروریستان الجهاد اخوان المسلمین که ایمان الظواهری نیر در آن عضویت داشت، در قتل انورالسادات رئیس

جمهور مصر زندانی بودند رها گرد. کشور های غربی و اعراب قاتلین انورالسادات رئیس جمهور مصر و سایر مجرمین را که اعضای اخوان المسلمین زندانی بودند و یا از خطر احساس مینمودند رها کردند، مجرمین و تروریستان عرب را برای «جهاد» و جنگ با شوروی راهی پاکستان نمودند، تا در جنگ با شورویها و ویرانی افغانستان شرکت کند.

پاکستان در جهت ویرانی افغانستان از همبستگی بین المللی اخوان المسلمین و شعار کاذب نجات «اسلام» نیز استفاده وافر نمودند. پاکستان جنگ خود را علیه افغانستان توسط تنظیمای «جهادی» افغان و طالبان تحت نظر افراطگرایان اخوان المسلمین و تروریستان القاعده متکی با افکار بنیادگرایی «اسلامی» افراطی رهبری کردند. روش افکار بنیادگرایی «اسلامی» افراطی اخوان المسلمین و القاعده اعراب با روش عنعنوی اسلامی در افغانستان تفاوت کلی دارد، این دو روش متناقض و شیوه های وحشیانه جنگ اخوان المسلمین و تروریستان القاعده باعث ویرانی کامل افغانستان و قتل عام مردم بی دفاع ملکی مردان، زنان، کودکان افغان گردیده است.

Sunday, 23 December, 2001, 10:30 GMT

Analysis: Al-Qaeda threat lives on



Capturing fighters 'does not smash the terror networks'

طالبان با دستور پاکستان مطابق افراطگرایان اخوان المسلمین و القاعده با افکار بنیادگرایی «اسلامی» احمقانه شعارهای دیوانگی خود را در مرحله اول حکمروایی شان در افغانستان که از خشن ترین شیوه بدوی افراطگرایان اخوان المسلمین و القاعده بوده استفاده و تطبیق نمودند. طالبان تا اکنون هم از موضع جاهلانه خویش بدستور پاکستان مدعی هستند که در کشور اسلامی افغانستان دولت «اسلامی» امارت را می سازد. تیتر جدید پاکستان که گویا علیه تعداد از رهبران طالبان قیودات پول شویی را وضع کرده اند دروغ محض است.

«مقام های پاکستانی تایید کرده اند که یک هیات بلندپایه گروه طالبان به دعوت اسلام آباد وارد این کشور شده تا در مورد روند صلح افغانستان گفتگو کنند. شاه محمود قریشی، وزیر امور خارجه پاکستان امروز دوشنبه، سوم سنبله در یک



نشست خبری سفر هیات طالبان به این کشور را تایید کرد و گفت که قرار است وی فردا با این هیات دیدار کند.»

اقدامات پاکستان اکنون باز هم با همان شیوه های جعلی مداوم خویش تلاش دارند تا به جهانیان

و بخصوص به امریکاییها تفهیم نماید که پاکستان در افغانستان خواهان صلح است. شاه محمود قریشی وزیر خارجه پاکستان بیشرمانه ادعا نموده که هندوستان مانع صلح در افغانستان است. برعکس شواهد انکارناپذیر با اسناد فراوان وجود دارد که پاکستان عملاً جنگ را بنام طالب و داعش در افغانستان به پیش میبرند. نشان دادن تیتر جعلی شیدان پاکستانی چیزی نو نیست، سیاست توطیه گران پاکستانی همواره برای گم کردن رد پای جنایات خویش انگشت خود را به طرف دیگران نشانه میکند.

پای.



مطالب بیشتر از این نویسنده، لطفاً اینجا کلیک کنید!